

## بررسی تطبیقی پیر چنگی مولانا و رمان کنولپ هرمان هسه

محمد طرغه

دانشجوی دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد

### چکیده

این پژوهش در حوزه‌ی ادبیات تطبیقی دو اثر پیر چنگی از مولانا و رمان <داستان دوست من، کنولپ> از هسه را مورد بررسی قرار داده است. پیر چنگی مولانا پیرمرد چنگ نواز و آوازخوان است. قلندر دوره گرد که در پایان عمر دستش از هر بضاعتی خالی است. با خوابی که در گورستان می‌بیند، رها می‌شود، ناله و فغان به درگاه خدا می‌برد، تا سرانجام روی در پرده می‌کشد. کنولپ نوشته‌ی هرمان هسه نیز نواز و آوازخوان است. قلندری صحرا گرد که در آخر زندگی موفقیتی نصیبش نمی‌شود. با پناه بردن به گورستان خوابی را که دیده، برای دوستش بازگو می‌کند تا سرانجام بی‌رمق و بی‌جان ناله و شکایت را به درگاه خدا می‌برد. اما به توصیه خداوند آنها را کنار می‌گذارد و هنگامی که چشم می‌گشاید خورشید می‌درخشد، ولی میل به خواب در او از هر میل دیگری نیرومندتر می‌شود. این پژوهش بر اساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی با هدف بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های داستان کنولپ از هسه با پیر چنگی از مولانا است. شباهت‌ها و تفاوت‌ها در دو اثر مذکور مسئله مقاله است. مولانا اثرش را به صورت شعر و هسه به صورت داستان نوشته‌اند اما شباهت‌ها از تفاوت‌ها پررنگتر و بیشتر است. سوالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که عرفان شرق تا چه حد در اثر هسه نمود پیدا کرده و تا چه حد از پیر چنگی تأثیر پذیرفته است. یافته‌های مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی بررسی شده و حاصل آن اثبات این فرضیه است که هرمان هسه با توجه به این که به عرفان شرق گرایش دارد و عرفان هم یکی از ارکان تعالیم مولانا است. او با تأثیر پذیرفتن از عرفان مولانا خصوصاً داستان پیر چنگی، اثر خود را خلق کرده است. خلق دوباره‌ی صحنه‌هایی در کنولپ از هسه که با داستان پیر چنگی یکی و در یک راستا قرار دارند، احتمال این نظریه که هسه از مایه‌های این داستان استفاده کرده باشد پررنگتر می‌کند.

**کلید واژه‌ها:** مولانا، عرفان، هرمان هسه، ادبیات تطبیقی، مکتب آمریکایی،